



نظر معلمان درباره علل مردودی دانش آموزان

دکتر غلامعلی سرمد

پژوهش در علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

مقدمه:

برای مطالعه علل مردودی دانش آموزان می توان از طریق منابع متعدد بررسیهایی به عمل آورد که نظرخواهی از والدین کودکانی که مردود شده اند، معلمان، متخصصان آموزش و پرورش، و حتی کودکانی که مردود نشده اند، تعدادی از این منابع است. بی شک، اگر بتوان چنین بررسیهایی به طور همزمان یا تقریباً همزمان انجام داد و نتایج حاصل از آن را با یکدیگر مقایسه کرد، تحقیق انجام شده به

نسبت قابل ملاحظه ای کامل خواهد بود. اما چنانچه این امکان وجود نداشته باشد، ناچار باید به بررسیهای محدود اکتفا کرد بدان امید که تجمع اینگونه بررسیها بتواند روشنگر وضع موجود، و راهگشای حل تعدادی از مسایل و مشکلات باشد.

از سوی دیگر، اگر چه «مردودی» بی نیاز از تعریف است، اما اشاره ای هر چند گذرا به عوالب آن ضرورت دارد. در دنیای کنونی که برنامه ریزی از مهمترین و

تعیین کننده ترین عوامل مدیریت محسوب می شود، و مدیریت را کلید بقا و توفیق سازمان و جامعه می دانند، نمی توان حتی مردود شدن یک دانش آموز را در یک سال تحصیلی نادیده گرفت. کودکی که امروز مردود می شود، با عواقب زیر مواجه خواهد شد:

۱- از نظر اقتصادی هزینه یک سال تحصیلی را به خانواده اش، به نظام تربیتی، و در واقع به جامعه تحمیل خواهد کرد، در

حالی که می‌بایست این مبالغ برای تربیت یک کودک دیگر صرف شود.

۲- از لحاظ تحصیلی یک سال دیرتر از همدوره‌ای‌های خود مقطع یا مقاطع تحصیلی را به پایان خواهد رساند.

۳- از نظر استخدامی یک سال دیرتر از همکلاسیهایش جذب بازار کار خواهد شد.

۴- و بالاخره از بعد روان‌شناختی ممکن است مشکلات متعددی در ارتباط با والدین، دیگر افراد خانواده، معلمان، اولیای مدرسه، همکلاسیها و شخص خودش داشته باشد.

بنابراین، هر گاه برنامه‌ریزی خانوادگی و شخصی و نظام تربیتی به گونه‌ای باشد که بتوان از بروز اینگونه عواقب جلوگیری کرد، ناگفته روشن است که محسنات آن به اشخاص، خانواده‌ها، و کل جامعه بازخواهد گشت و در عوض پیامدهای ناگوار دامنگیر اینها نخواهد شد.

علل مردودی دانش‌آموزان

علل و عوامل مردودی دانش‌آموزان را می‌توان از ابعاد مختلف طبقه‌بندی کرد که بررسی تمامی این ابعاد در قلمرو یک مقاله نمی‌گنجد. اما برای سهولت بحث، شاید بتوان این عوامل را به چند مقوله زیر تقسیم کرد:

۱- عوامل خانوادگی نظیر سواد والدین، مشاغل والدین، میزان درآمد خانواده، روابط خانوادگی، عده افراد خانواده، انتظارات والدین و طرز فکر و نگرش آنان نسبت به تحصیل و مدرسه، انحراف رفتاری خانواده، فقدان ثبات فیزیکی محیط خانه یا جابه‌جایی آن در طول سال تحصیلی، نامساعد بودن رابطه خانواده با مدرسه، و مانند آن.

۲- عوامل شخصی یا آنچه به خود دانش‌آموز مربوط می‌شود از قبیل تواناییهای بالقوه اندک، مسایل عاطفی مثل ترس از تحصیل و مدرسه و مردودی و اضطراب از هر نوع که باشد، بحران شناختی اعم از هدم یا کمبود یا نقص شناختی، بحران بلوغ، تحولات فکری،

بی‌علاقگی به درس و تحصیل، نداشتن برنامه دقیق برای تحصیل و مطالعه، تأثیر و تأثر و همبازیهای ناباب، و نظایر آن.

۳- آنچه به مدرسه و کلاس درس ارتباط پیدا می‌کند مانند فضای نامطلوب فیزیکی مدرسه و کلاس درس، شلوغ بودن کلاسها از لحاظ تعدد شاگردان، تغییر کردن حل مدرسه در طول سال تحصیلی، فرهنگ و خرده فرهنگ همکلاسیها و طرز فکر آنان، و غیره.

۴- معلم و مسایل مرتبط با او نظیر مهارت کم یا ضعف تدریس، وجود یک یا چند معلم برای ارائه دروس مختلف یک کلاس و ناهمخوانی احتمالی آنان از ابعاد متعدد ضعف علاقه‌مندی معلم به کار خود و وظیفه تربیت نسل کوچکتر، و امثال آن.

۵- و بالاخره کتب و مطالب درسی از ابعاد مختلف از جمله حجم کتابهای درسی، زبان سنگین یا سبک نگارش نامناسب آنها از لحاظ مفهومی، تعدد کتب درسی، کمبود زمان برای مطالعه، دیر رسیدن کتابها به شاگردان، و مانند آن.

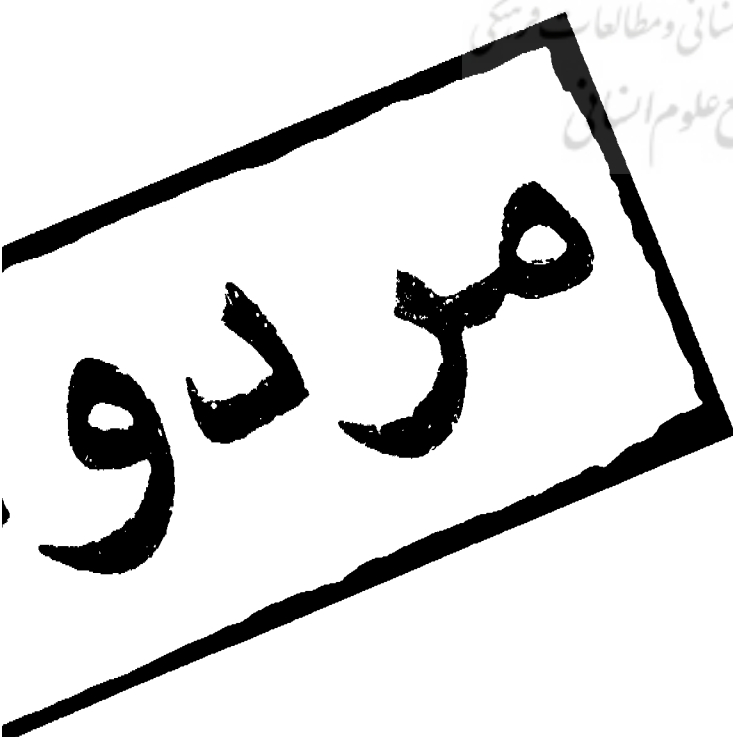
به طوری که می‌توان انتظار داشت، در کتب روان‌شناسی و علوم تربیتی آرای بسیار فراوان در خصوص عوامل مؤثر در مردودی دانش‌آموزان مطرح شده که حتی نقل فهرست‌وار آن نیز عملی نیست. در عین

حال، نمی‌توان این موضوع را کاملاً مسکوت گذاشت. بنابراین، به دو دسته از این اظهارنظرها اشاره می‌شود:

محیط خانواده: اهمیت خانواده و نقش آن در تربیت کودکان تقریباً در تمامی کتب یاد شده، مستقیم یا غیرمستقیم، مورد بحث قرار گرفته و طبیعاً در هر نوشته این موضوع از بعد یا ابعاد خاصی مطرح شده است. برای مثال، در یک کتاب آمده است: «اگر انتظارات والدین از کودکان معقول و با واقع‌بینی همراه باشد، اختلالی در رفتار آنها ایجاد نمی‌شود. اما در برابر انتظارات بی‌رواگاه کودک خودش و بی‌پروا می‌شود و قوانین و مقررات را زیر پا می‌گذارد»^(۱).

در همان کتب نقش خانواده از بعد همانندی جویی کودکان با والدین چنین مطرح شده است: «کودک از مشاهده رفتار والدین به تدریج آنها را می‌شناسد... و آنچه درباره پدر و مادر درک می‌کند، نسبت به دیگران تعمیم می‌دهد»^(۲).

در یک اثر دیگر اهمیت همانندی جویی با مفهومی نسبتاً مشابه ولی با بیانی متفاوت چنین تشریح شده است: «اغلب روان‌شناسان... همانندسازی... را فرایندی اساسی در اجتماعی شدن کودکان می‌دانند. کودکان با سرمشق‌گیری از افراد مهم محیط خود، نگرشها و رفتارهایی را که



جامعه از افراد بزرگسال انتظار دارد، کسب می‌کنند»^(۳).

و بالاخره همین نکته در جای دیگر چنین آمده است: «کودک خردسال برای حل مشکلات از والدین کمک می‌طلبد، برای انجام و تداوم کارها از والدین اطمینان و تسلی می‌خواهد، و والدین اولین الگوهای اخلاقی کودک هستند»^(۴).

یک متخصص تعلیم و تربیت رابطه رفتار والدین با پیشرفت اجتماعی و تحصیلی فرزندان را چنین توصیف می‌کند: «پدر و مادری که به تعلیم و تربیت، سواد، حسن رفتار اجتماعی، یا هر نوع پیشرفت اجتماعی بی‌توجه باشند، مسلماً در پیشرفت تحصیلی فرزند خود تأثیر منفی خواهند گذاشت... نمونه بودن والدین، یعنی آنچه واقعا هستند نه آنچه تصور می‌کنند، بیش از هر چیز در کودکان مؤثر است»^(۵).

همان نویسنده در جای دیگر مسأله مورد بحث را از یک بعد دیگر می‌نگرد و می‌نویسد: «نخستین نیاز ما عبارت است از محیط فرهنگی غنی در خانه و مدرسه تا کودکان در آن هم بتوانند بیاموزند و هم رشد کنند... البته تأثیر محیط خانه و طبقه اجتماعی از مدرسه زیادتر است و در واقع به مدرسه نیز گشایده می‌شود. محیط خانوادگی کودک در ادراکات، رشد شخصیت و مناسبات او با دیگران تأثیر اساسی دارد»^(۶). وی سپس به عنوان نوعی نتیجه‌گیری می‌افزاید، «آنچه کودکان در نخستین سالهای حیات خود بیش از هر چیز نیاز دارند، احساس امنیت و ثبات است... هر چه خانواده ثبات بیشتری داشته باشد، کودکان در آن امنیت بیشتری احساس خواهند کرد... نقشهای پدر و مادر متفاوت اما مکمل یکدیگر است. خانواده کارخانه‌ای است که شخصیت انسان را تولید می‌کند زیرا شاگردان، خانه و والدین را با خود به کلاس درس می‌آورند... و جدا شدن آنان از والدین، حتی برای رفتن به مدرسه نیز ممکن است برای آنها رنج‌آور باشد»^(۷).

یک روان‌شناس روابط خانوادگی را از

بعد سلامت رفتار و پرهیز از استهزای کودکان می‌نگرد - پدیده‌ای که ممکن است مردود با آن روبه‌رو شوند - و می‌نویسد: «کودکی که مرتباً مورد استهزای دیگران واقع شود، ممکن است خود را به عنوان دلگتک بشناسد، در حالی که احساس هویت سالم در انسان اعتماد به نفس ایجاد می‌کند و تسوانایی قضاوت صحیح به او می‌بخشد»^(۸).

مسائل شخصی کودک: چون شخص کودک و ویژگیهای او از عوامل حتمی توفیق او در تحصیل محسوب می‌شود، متخصصان در این مورد نکات فراوان و قابل ملاحظه‌ای عنوان کرده‌اند. برای مثال، در یک کتاب آمده است: «اعتماد به نفس از نیازهای اساسی بشر است و مادام که برآورده نشود، بسیاری از نیازهای دیگر با شکست مواجه خواهد شد»^(۹). بی‌تردید، نیاز به کسب علم و هنر و فن در مدرسه نیز یکی از دهها «نیاز دیگر» است که می‌تواند اعتماد به نفس در برآورده ساختن معقول و منطقی آن تأثیر داشته باشد.

در یک اثر دیگر عزت نفس کودکان به عنوان یک ویژگی شخصیتی مطرح شده و چنین آمده است: «برای حصول عزت نفس پدران و مادران، بویژه معلمان و بزرگترها، وظیفه دارند از تحقیر فرزندان و شاگردان خود به طور جدی بپرهیزند... و تا می‌توانند در برخوردهای خود احترام آنان را رعایت نمایند»^(۱۰).

تصادفاً، نظیر این مطلب در چندین اثر دیگر نیز مطرح شده که چند مورد آن عیناً نقل می‌شود:

- «هر چه آموزشها و مراقبتهای دوران کودکی از قوت بیشتری برخوردار باشد، کودک از اعتماد به نفس بیشتری برخوردار می‌شود»^(۱۱).

- «اگر والدین نیاز فرزندان را برنیاورند، این کودکان در برخوردهای خود با موقعیتها یا افراد جدید از احساس امنیت و اطمینان به نفس کافی برخوردار نیستند»^(۱۲).

- «معمولاً بچه‌هایی که به خود و پدر و

مادر خود اعتماد ندارند... غالباً دچار ناسازگاریهای اجتماعی و عاطفی می‌شوند»^(۱۳).

- گوشه‌گیری، حساسیت، اضطراب، تواضع بی‌دلیل، و خیالبافی از جمله ویژگیهای کودکان است که اعتماد به نفس کافی ندارند^(۱۴).

بی‌شک مدرسه و کلاس درس، معلم و کتب درسی نیز از دیگر عوامل مهم تربیتی است که نقش هر کدام می‌تواند در مردودی کودکان نقش داشته باشد، اما برای رعایت اختصار از بررسی و نقل آرای متخصصان درباره آن صرف‌نظر می‌شود.

سابقه بررسی حاضر

اوایل سال تحصیلی ۷۲ - ۱۳۷۲ پرسشنامه‌ای حاوی ۲۴ سؤال بسته با ۳ گزینه زیاد، متوسط، اندک یا کم، تأثیری ندارد تهیه شد تا به کمک آن از دبیران دوره راهنمایی تحصیلی درباره علل مردودی دانش‌آموزان نظرخواهی شود. این پرسشنامه تقریباً همزمان در سه شهر اصفهان، زنجان و ساری اجرا شد. دبیران انتخابی هر شهر ۴۰ نفر بودند که به صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. همه این دبیران در مدارس راهنمایی تحصیلی دخترانه به تدریس اشتغال داشتند.

به طوری که می‌توان انتظار داشت، در هر شهر دبیران نظرات نسبتاً متفاوتی در خصوص موضوع مورد بررسی ابراز داشتند که بررسی تک‌تک آن در ارتباط با عوامل متعدد قابل ملاحظه است. اما در اینجا فقط نتیجه نهایی این نظرات طی یک جدول مقایسه‌ای ارائه می‌شود.



جدول شماره ۱: مقایسه علل مردودی دانش‌آموزان به نظر معلمان

دلایل	اصفهان	زنجان	ساری
خانوادگی	۱۷/۵۶	۱۹/۶۶	۲۰/۱۷
شخصی	۳۶/۲۲	۳۲/۳۳	۳۴/۵۰
کلاس و مدرسه	۱۶/۳۳	۸/۴۱	۱۰/۷۳
معلم	۱۷	۲۱/۱۳	۱۸/۶۵
کتاب درسی	۱۲/۶۷	۱۸/۴۷	۱۵/۹۵

به طوری که از جدول شماره ۱ برمی‌آید، دبیران درباره تأثیر دو عامل خانواده و معلم در مردودی دانش‌آموزان دختر نظر نسبتاً مشابه داشته‌اند، زیرا توزیع درصدی پاسخهای آنان در هر دو مورد چندان تفاوتی با هم ندارد. همچنین، در خصوص رابطه مردودی با مسایل شخصی دانش‌آموزان نیز تفاوت رأی معلمان آنقدرها زیاد نیست. ولی عامل «کلاس و مدرسه» به نظر دبیران اصفهان نقشی بسیار تعیین‌کننده‌تر از دو گروه

دبیران زنجان و ساری دارد. و بالاخره عقاید دبیران دو شهر اخیر در خصوص کتب درسی تقریباً به یکدیگر نزدیک است، حال آنکه دبیران اصفهان برای این عامل اهمیت کمتری قایل شده‌اند.

در اردیبهشت ماه ۱۳۷۳ پرسشنامه یاد شده، در بین ۱۲۹ نفر از دبیران مدارس راهنمایی تحصیلی دخترانه منطقه ۷ تهران توزیع شد. لازم به یادآوری است که این منطقه ۲۹ مدرسه راهنمایی تحصیلی دخترانه با ۲۲۹ دبیر دارد که با توجه به

امکانات موجود، ۳۰ درصد دبیران با نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. از پرسشنامه‌های بازگشتی ۳ مورد به دلایل متعدد قابل استخراج نبود، در نتیجه، ۱۲۶ پرسشنامه ملاک بررسی نهایی قرار گرفت.

یافته‌های تحقیق

چون ارائه کلیه یافته‌های این بررسی امکان‌پذیر نیست، در اینجا تعدادی از جداول مرتبط با بعضی از این یافته‌ها آمده است.

جدول شماره ۲: رابطه پایین بودن تحصیلات والدین با مردودی فرزندان آنها

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد مؤثر است		۶۲	۵۰/۷۹
تأثیر متوسط دارد		۲۹	۳۰/۹۵
تأثیر اندک دارد		۱۶	۱۲/۶۹
بی‌تأثیر است		۷	۵/۵۵

جدول شماره ۲ حکایت از آن دارد که نصف دبیران پایین بودن سطح تحصیلات والدین را در مردودی فرزندان آنها عامل شماره یک می‌دانند که حتی اگر صاحبان آرای ستون دوم و سوم افقی را یکجا حساب کنیم، باز هم این عامل همچنان در صدر باقی می‌ماند. طبق این جدول، فقط عده معدودی از معلمان تحصیلات والدین را با مردودی دانش‌آموزان بی‌رابطه می‌دانند.

جدول شماره ۳: رابطه درآمد پایین خانواده با مردودی

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد		۳۲	۲۵/۳۹
متوسط		۶۲	۵۰
کم		۲۶	۲۰/۶۳
تأثیر ندارد		۵	۳/۹۶

جدول شماره ۴: تأثیر مطالعه اندک دانش‌آموزان در مردودی

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد		۶۷	۵۳/۱۷
متوسط		۱۹	۱۵/۰۷
کم		۲۲	۱۷/۴۶
تأثیر ندارد		۱۸	۱۴/۲۸

با توجه به جدول شماره ۲ می‌توان گفت که نصف معلمان تأثیر درآمد پایین خانواده‌ها را در مردودی در حد متوسط می‌دانند، در حالی که عده کسسانی که برای این عامل اهمیت زیاد قایل می‌شوند تقریباً برابر کسسانی است که اهمیت آن را کم یا هیچ می‌دانند. بنابراین می‌توان گفت که به نظر معلمان مورد مطالعه، ثروت آنقدرها با پیشرفت تحصیلی رابطه ندارد.

جدول شماره ۵: تأثیر بی‌برنامگی دانش‌آموزان در مردودی آنها

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد		۸۴	۶۶/۶۶
متوسط		۳۶	۲۸/۵۷
کم		۷	۵/۵۵
تأثیر ندارد		-	-

از جدول شماره ۴ چنین می‌توان فهمید که بیش از نصف معلمان یک شرط اساسی توفیق دانش‌آموزان را مطالعه شخصی می‌دانند، حال آنکه توزیع پاسخهای آنان در سه گزینه دیگر تقریباً برابر است. تنها نکته عجیب اینکه عدد نسبتاً زیاد ۱۸ (۱۴/۲۸ درصد) از فقدان تأثیر مطالعه در مردودی حکایت دارد که چون جداول براساس پاسخهای دریافتی تنظیم شده، نمی‌توان برای آن توجیهی ارائه داد.

جدول شماره ۶: ارتباط حجم زیاد و محتوای گنگ یا سنگین کتب درسی با مردودی

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد		۴۶	۳۶/۵
متوسط		۵۳	۴۲/۰۶
کم		۲۳	۱۸/۲۵
تأثیر ندارد		۴	۳/۱۷

توزیع پاسخهای جدول شماره ۵ تقریباً همان است که به طور معمول از معلمان انتظار داریم. به طوری که ملاحظه می‌شود، عده قابل ملاحظه‌ای از معلمان مردودی شاگردان را با فقدان برنامه‌ریزی در زندگی آنها در ارتباط می‌بینند. همچنین، هیچکس عقیده ندارد که مردودی نمی‌تواند با برنامه‌ریزی رابطه‌ای نداشته باشد. این تنها نکته‌ای است که با بررسیهای به عمل آمده در اصفهان، زنجان و ساری هماهنگی صددرصد دارد.

هر چند گاه و بیگاه از شاگردان و والدین آنها می‌شنویم که مقصر اصلی مردودی را کتابهای درسی می‌دانند، اما

جدول شماره ۷: تأثیر معلم نامطلوب در مردودی شاگردان

گزینه	توزیع	عده	درصد
زیاد		۹۶	۷۶/۱۹
متوسط		۱۵	۱۱/۹۰
کم		۱۱	۸/۷۳
تأثیر ندارد		۴	۳/۱۷

جدول شماره ۶ تصویر دیگری ارائه می‌دهد. به موجب این تصویر، نقش کتب درسی در عدم پیشرفت تحصیلی متوسط است، یا به تعبیر دیگر این مسأله را نمی‌توان در مردودی دانش‌آموزان چندان مؤثر دانست.

اگر چه ممکن است قسمت اندکی از پاسخهای معلمان به پرسش مرتبط با

در دنیای کنونی که برنامه‌ریزی از مهمترین و تعیین‌کننده‌ترین عوامل مدیریت

محسوب می‌شود، و مدیریت را کلید بقا و توفیق سازمان

و جامعه می‌دانند، نمی‌توان حتی مردود شدن یک دانش‌آموز را

در یک سال تحصیلی نادیده گرفت.

رابطهٔ مردودی شاگردان با ضعف تدریس بر نوعی تعصب حرفه‌ای دلالت داشته باشد، اما این جدول مبین آن است که معلم نقشی بسیار تعیین‌کننده در پیشرفت تحصیلی شاگردان دارد. نگاهی به اعداد و درصدهای جدول نشان می‌دهد که هر چند ۴ نفر عقیده دارند که معلم در این قضیه بی‌تأثیر است، اما به طور کلی عدهٔ کسانی که سه گزینهٔ آخر را انتخاب کرده‌اند، از نصف صاحبان گزینهٔ نخست هم کمتر است.

نتیجهٔ نهایی

با نگاهی مجدد به جداول ۲ الی ۷ می‌توان به نتایج زیر دست یافت:

۱- چون تمامی دبیران مورد مطالعه متاهل بوده‌اند، تعجب‌آور نیست اگر نقش سواد والدین را در توفیق تحصیلی فرزندان چشمگیر بدانند، زیرا اینها همزمان در دو نقش معلم و پدر و مادر ظاهری شوند و دربارهٔ این مسأله تجربه دست اول دارند.

۲- معلم تقریباً در همهٔ کشورهای جهان و از جمله کشور خودمان فردی است کم‌توقع و قانع شاید هم ضرب‌المثل «با سلی صورت خود را سرخ نگه‌داشتن» بیش از دیگر کارمندان دولت در مورد معلم وضع شده و مصداق پیدا می‌کند. از این رو، احتمالاً معلمان مورد مطالعه به حق درآمد خانواده‌ها را در پیشرفت تحصیلی فرزندان آنها کم‌رنگ و عموماً در حد متوسط می‌بینند، زیرا انسان در هر صورت گاه و بیگاه به درون فکنی یا قیاس به نفس تمایل پیدا می‌کند.

۳- معلم را با هر نوع مدرک تحصیلی و با هر سطحی از سواد در نظر بگیریم، در اظهار نظر پیرامون سؤالی از این قبیل که بین کمبود مطالعه یا مردودی چه رابطه‌ای وجود دارد، بیش از هر چیز بر گزینهٔ «زیاد» تکیه می‌کند. شاید دلیل این تأکید، آن است که معلم از راه مطالعه به سواد و مدرک موجود دست پیدا کرده و طبعاً چنانچه خود را موفق بداند، یکی از کلیدهای ورود به این



۴- تصور می‌رود نه فقط معلمان، بلکه صاحبان هر حرفه دیگری نیز در پاسخ این سؤال که برنامه‌ریزی تا چه حد در پیشرفت تحصیلی (یا به طور کلی در پیشرفت انسان) تأثیر دارد، گزینه «زیاد» را انتخاب کنند، چرا که هر چند از عمر برنامه‌ریزی به مفهوم جدید آن کمتر از یک قرن می‌گذرد، اما عملاً برنامه‌ریزی هم‌زاد زندگی فردی و اجتماعی انسان بوده است.

۵- چون ابزار اساسی کار معلم را کتاب تشکیل می‌دهد، عدد ۹۹ نفر یا ۷۸/۵۶ درصد افرادی که گزینه‌های زیاد و متوسط را برای تأثیر کتب درسی در مردودی انتخاب کرده‌اند، موجه به نظر می‌رسد. به علاوه، تجربه مبین آن است که هر کس بهتر از دیگران می‌تواند ابزار کار خود را بشناسد و ارزیابی کند. در عین حال، تصور می‌رود چنانچه به این سؤال دبیران پسران دوره راهنمایی تحصیلی پاسخ می‌دانند، عده کسانی که گزینه «زیاد» را انتخاب می‌کنند بیشتر بود، زیرا جلوتر بودن دختران این سنین از نظر رشد ذهنی مشکل کمتری جهت درک مفاهیم کتب درسی برای آنان فراهم می‌کند.

۶- و بالاخره، هر قدر معلمان را در تعیین نقش «معلم» در پیشرفت تحصیلی شاگردان به پیشنهادی یا تعصب متهم کنیم، باز هم نمی‌توان انکار کرد که شرط لازم و کافی توفیق درسی دانش‌آموزان، موجود معلم شایسته است.

چند پیشنهاد

با توجه به آنچه از بررسی حاضر و تجربه‌های محقق برمی‌آید، می‌توان چند پیشنهاد زیر را ارائه داد:

۱- مجموع یافته‌های این بررسی و بررسی‌های متعدد از اهمیت خانواده و نقش آن در پیشرفت تحصیلی کودکان حکایت می‌کند. بنابراین، می‌توان علی‌رغم تکراری

برنامه‌ریزی در زندگی آنها در ارتباط می‌بینند.

منابع:

بودن این هشدار، به والدین یادآور شد که حفظ محیط مطلوب خانوادگی کوشا باشند. مخصوصاً، چون مسایل عاطفی بیشترین نقش را در تربیت کودکان ایفا می‌کند، شایسته است از این لحاظ محیطی غنی یا لالقل عاری از تنش موجود آورند.

۲- بین یافته‌های سه بررسی محدود اصفهان، زنجان و ساری با بررسی نسبتاً گسترده تهران درباره اهمیت پنج عامل خانواده، ویژگی‌های شخصیتی، معلم، مدرسه و کتاب هماهنگی وجود دارد، هر چند در میزان اهمیتی که معلمان هر شهر برای هر یک از این عوامل قایل شده‌اند، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. بنابراین، لازم است اولیای امور تربیتی کلیه این عوامل را مورد توجه قرار دهند و در هر جا امکان‌پذیر باشد، شرایط لازم را برای پیشرفت تحصیلی شاگردان فراهم سازند.

۳- چون چهار بررسی مورد بحث درباره دختران دوره راهنمایی تحصیلی انجام شده، پیشنهاد می‌شود این کار در مورد پسران این دوره نیز انجام شود. به علاوه، پیشنهاد می‌شود این تحقیق در معیار گسترده‌تر و حتی الامکان در کل کشور انجام شود تا مبنای مناسبتری برای برنامه‌ریزی باشد.

۴- نظرخواهی از معلمان دوره‌های ابتدایی و متوسطه برای تکمیل اطلاعات، توصیه می‌شود.

۵- و بالاخره پیشنهاد می‌شود برای جمع‌آوری اطلاعات کاملتر، تحقیقاتی در جهت مخالف بررسی حاضر انجام شود. یعنی طی مطالعاتی معلوم گردد دلایل پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان چیست تا بتوان از راه مقایسه آن با دلایل مردودی به نتایج ملموس‌تری دست یافت و در برنامه‌ریزی‌ها از آن استفاده کرد.

۱- علی شریعتمداری، روان‌شناسی تربیتی، تهران: امیرکبیر، نشر چهارم، ۱۳۶۹، ص. ۲۰۲

۲- همان، ص. ۱۹۵

۳- هیلگارد واتکینسون، زمینه روان‌شناسی، جلد اول، ترجمه نقی براهنی و دیگران، تهران: انتشارات رشد، نشر چهارم، ۱۳۶۹، ص. ۱۵۸

۴- عبداللّه شفیعی‌آبادی، مبانی روان‌شناسی رشد، تهران: شرکت سهامی نشر چهارم، ۱۳۷۰، ص. ۷۶-۷۲

۵- ایور موریش، درآمدی به جامعه‌شناسی تعلیم و تربیت، ترجمه غلامعلی سرمد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲، ص. ۱۳۲

۶- همان، ص. ۱۴۰

۷- همان، ص. ۱۷۲

۸- دوروتسی راجرز، روان‌شناسی کودک، ترجمه و اقتباس غلامعلی سرمد، تهران: نشر آوای نور، ۱۳۷۲، ص. ۵۴

۹- مهدی قراچه‌داغی، روان‌شناسی خلاقیت، تهران: نشر شباهنگ، چاپ چهارم، بی‌تا، ص. ۱۰۴

۱۰- محمد پارسا، زمینه روان‌شناسی، تهران: چاپ پیوند، نشر چهارم، ۱۳۶۶، ص. ۲۲۶

۱۱- محمود منصور، احساس کهنتری، تهران: انتشارات رشد، چاپ دوم، ۱۳۵۸، ص. ۷۸

۱۲- هیلگارد واتکینسون زمینه روان‌شناسی، ص. ۱۵۷

۱۳- روان‌شناسی تربیتی، ص. ۱۹۹

۱۴- محمدحسین آزاده روان‌شناسی مرضی کودک، تهران: پازنگ، ۱۳۶۹، ص. ۹۵